

در تکمیل بحث تبعید و تبعیدیان در شماره ۱۰۰ آرش

(جای خالی انترناسیونالیسم و اندیشه چپ)

تراب حق شناس

نگارنده در شماره ۸۵ (اوت - سپتامبر ۲۰۰۳) به مناسبت دوازدهمین سال آرش تحت عنوان "دریچه ای که نباید بسته شود" نوشته بود: "آرش افت و خیزها، دردها و آرزوها، تردیدها و ناکامی ها و استقامت جامعه تبعیدی چپ را در طیف وسیع و رنگین کمانی خود بازتاب داده و دریچه ای ست از ارتباط و دیالوگ که به روی این جامعه تبعیدی و "تمیزه" گشوده شده است و اگر از آن نسیم بهاری و امید و مبارزه و آگاهی و نقد بوزد یا بوی نفرت انگیز تسلیم و ساده اندیشی و انحراف به راست و ارتجاع به مشام برسد، شك نیست که از همین جامعه برخاسته است."

آرش شماره ۱۰۰ با حجمی سترگ که همت، کار و وقت فراوانی صرف آن شده، چنان که دیده ایم، به فعالیت و نقش تبعیدیان پرداخته است. اما در این گزارش مفصل و لازم به برخی از جنبه های فعالیت جامعه تبعیدی ایرانی کمتر پرداخته شده یا اصلاً نامی از آنها به میان نیامده است. از آنجا که آرش عمدتاً از جمله نشریات تبعیدیان چپ، هرچه هستیم، بوده و هست، بجاست که برای تکمیل آن گزارش در حد خود سترگ به نکات زیر هم فهرست وار اشاره شود:

تبعید درکنار رنج ها و مصیبت هایش، اوضاعی فراهم می کند که تبعیدیان، اگر بخواهند، می توانند از غلاف و پیله خود بیرون آیند، دیگر خود را محور عالم نپندارند، با دردها و مقاومت ها و راه حل های دیگر ملت ها آشنا شوند تا بعد، تجربه ویژه خود را بیافرینند. به ارزش های انسانی، فکری و فرهنگی دیگران و خودشان پی ببرند و دربرابر دشمن مشترک (چه عقب ماندگی ها و ندانم کاری های خودشان باشد، چه رژیم حاکم بر ایران و چه مناسبات طبقاتی ظالمانه حاکم بر جهان)، در عین توجه به ویژگی های خویش، راه های مبارزه مشترک را بجویند و بپویند. با شناخت و پیوستن به انترناسیونالیسم، از محدوده خفه کننده ناسیونالیسم (و از آن بدتر شووینیسیم) خارج شوند. خوشبختانه این هشیاری و توجه که به طور نسبی در جامعه تبعیدی ایرانی وجود داشته (و آرزو میکنیم که با گذشت زمان تقویت شود) تا حد قابل توجهی در شماره های آرش بازتاب یافته است. تلاش برای شناخت حوادث سیاسی و اجتماعی در کشورهای دیگر و همبستگی با مبارزات زحمتکشانشان و ستمدیدگان آنها به صورت گزارش، مقاله، مصاحبه، شعر و غیره در آرش آمده که متأسفانه در گزارش شماره ۱۰۰ به کلی از قلم افتاده است. آیا این صرفاً ناشی از غفلت و نبود امکانات است یا اینکه نوعی "ایرانمهوری" (به قیاس اروپامحوری) است؟

همچنین پرداختن به تئوری راهنمای جنبش چپ ایران با درک های مختلف از مارکسیسم که بیش از صد سال از آشنایی ایرانیان با آن می گذرد و منشأ طرح و اشاعه اندیشه های مترقی و مبارزات پیگیر و دشوار در راه آزادی و برابری و مدرنیته بوده بارها در آرش مورد بررسی، نقد یا تأیید قرار گرفته است. لازم به یادآوری نیست که غیر از نشریات وابسته به سازمان های سیاسی که به نحوی فعالیت دوران قیام بهمین را در تبعید ادامه دادند، و کارنامه انتشاراتی قابل توجهی دارند، نشریات فراوانی در تبعید بوده یا هستند که به موضوعاتی که گفتیم پرداخته اند. هرچند باید اعتراف کرد که آنچه انجام شده ناچیز است و از سطح مورد نیاز تحول اجتماعی ایران بسیار پایینتر.

باری در آرش ۱۰۰ این توجه ضروری و واقعی جامعه تبعیدی ایرانی به جوامع انسانی دیگر، به ملت های دیگر، به انترناسیونالیسم، به اندیشه و تجربه عظیم مارکسیسم و سوسیالیسم متأسفانه به حساب نیامده و گزارشی از آن تدوین نشده است.

فقط برای نمونه، در خود آرش، از آغاز تا کنون، آنطور که من در يك مراجعه سریع برداشت کرده ام، بیش از سیصد (۳۰۰) مقاله سیاسی، اقتصادی، تئوریک، تجربه رزمنده عملی در موضوعات زیر میتوان یافت:

- گذشته و حال جنبش چپ و دموکراتیک (از زمان مشروطیت و اجتماعيون عاميون تا امروز)؛
- جنبش کارگری، کمونیستی و ضد سرمایه داری در ایران و جهان از دیدها و برخوردهای مختلف، و تجربه های موفق و ناموفق؛
- وضع در "جهان سوم" و تلاش های خروج از چارچوب عقب ماندگی ناشی از ارتجاع داخلی و استعمار؛
- مبارزات در آمریکای لاتین که به حق آزمایشگاه مبارزاتی خلق های ستم دیده برای ارائه بدیل در جهت رهایی از یوغ استعمار و امپریالیسم به شمار میرود؛ نمونه های کوبا، زاپاتیست ها در مکزیک، آرژانتین، گواتمالا، نیکاراگوئه و...
- مبارزه با تبعیض نژادی در آمریکا و آفریقا؛
- مبارزه با جنگ امپریالیستی بوش و تجاوز آمریکا به عراق و افغانستان
- مبارزه با استعمار و اشغالگری در فلسطین و ابعاد گوناگون مبارزه عادلانه مردم آن که در دهها مقاله و مصاحبه و گزارش بازتاب یافته است (آرش در این باره سرآمد تمام نشریات تبعیدی ست)؛
- مبارزه با خرافات و تاریک اندیشی های دینی (اسلامی، مسیحی و یهودی و...) که در عرصه سیاسی بسیار فعال شده و چهره دیگری از توحش سرمایه داری و فاشیسم را به نمایش میگذارد؛
- تحقیقات فلسفی، سیاسی و اقتصادی و تاریخی که در کنگره بین المللی مارکس و سمینارهای مشابه مطرح شده و دهها مقاله ماندگار از آنها در آرش بازتاب یافته است.
- مبارزه با به اصطلاح "جهانی شدن" و فعالیت "طرفداران دنیایی دیگر" در سمینارها، تظاهرات و گردهم آیی ها در داووس، جنوا، گوتنبرگ، پورتوآلگره و ...
- به گمان من، منتخبی از این گونه مقالات می تواند به صورت چند جلد کتاب مفید، پس از ویراستاری لازم، منتشر شود.
- این کارنامه می تواند انجام بخشی از وظایفی محسوب شود که ما به عنوان تبعیدیان چپ و "سر موضعی" بر عهده داریم.

مه ۲۰۰۸

(منتشر شده در آرش ۱۰۱ ژوئیه ۲۰۰۸)